

# ایران تووشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود فرم های مسح
- دانلود آزمون های حس و حلم جن و نجاش
- دانلود فیلم و مقاله آنلاین
- کنکور و مثاره



IranTooshe.Ir



@irantoooshe



IranTooshe



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

## ترجمه و حل تمرینات عربی یازدهم تجربی و ریاضی

### الدرس الاول

از آیه های اخلاق

ای کسانی که ایمان آورده اید نباید گروهی (از مردان)، گروهی دیگر را مسخره کنند شاید (آن مسخره شده ها) بهتر از آنها باشند. و نباید زنانی، زنانی دیگر را (مسخره کنند) شاید (آن مسخره شده ها) بهتر از آنها باشند.

واز خودتان عیجویی نکنید و به یک دیگر لقب های رشت ندهید. بداست پس از ایمان آوردن نام فاسق) برکسی نهادن. و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکارانند.

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید همانا بعضی از گمان ها گناه است. و تجسس نکنید و نباید بعضی از شما غیبت بعضی کند. آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد. البته از آن متفرقید (بیزارید) و از خدا پرواکنید که خداوند بسیار توبه پذیر مهریان است. شاید در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است. پس باید از خود پسندی دوری کنیم و عیب های دیگران را با سخن پنهانی یا با اشاره ای بیان نکنیم. امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که ماندان در توست (برای دیگران) عیب بشماری.

آیه اول به ما پندمی دهد و می گوید: از دیگران عیجویی نکنید. و آنها را با لقب هایی که آن را ناپسندمی دارند، لقب ندهید. چه بد کاری است آلوده شدن به گناه. و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

بنابراین خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است:

۱ دیگران را مسخره کردن، و آنها را با نام های رشت نامیدن. -

۲ بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی است. -

۳ تجسس کردن را، و آن تلاشی رشت برای آشکار کردن رازهای مردم با خاطر رسوا کردنشان است. و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق بد در مکتب ماست.

۴ و غیبت کردن را، و آن از مهمترین علت های قطع ارتباط بین مردم است. -

بعضی از مفسران سوره ی حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره ی اخلاق نامیدند

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

## عین الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدُّرْسِ:

۱- سمی بعض المفسرین سوره الحجرات بعرویں القرآن.....

۲- حرم الله فی هاتین الیتین ایستهzae و الغیبه فقط.....

۳- الغیبه هي أن تذكر أخاك و أخيك بما يكرهان.....

۴- إن الله ينهى الناس عن السخرية من الآخرين.....

۵- السعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل.....

۱- سمی بعض المفسرین سوره الحجرات بعرویں القرآن. **غلط است**

ترجمه: برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

۲- حرم الله فی هاتین الیتین الاستهزاء و الغیبه فقط. **غلط است**

ترجمه: خداوند در این دو آیه فقط مسخره کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

۳- الغیبه هي ان تذكر اخاك و أخيك بما يكرهان. **درست است**

ترجمه: غیبت این است که تو برادر و خواهرت را باد کنی به آنچه که آنها را ناراحت می کند(از آن بدشان می آید)

۴- ان الله ينهى الناس عن السخرية من الآخرين. **درست است**

ترجمه: قطعاً خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد

۵- السعي لمعرفة أسرار الآخرين أمر جميل. **غلط است**

ترجمه: تلاش برای آگاهی از اسرار دیگران کاری زیباست

## اخْتَرْ نَفْسَكَ : ترجم الحادیث التالیة، ثُمَّ ضَعْ خَطًا تَحَتَ اسْمِ التَّفْضیلِ.

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

ترجمه: داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفراید.

**أعلم: اسم تفضیل(داناترین)**

۲- أَحَبُّ عَبْدَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعَبَادِهِ:

ترجمه: محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان نسبت به بندگانش است.

**أحب: اسم تفضیل(محبوبترین)**

**أنفع: اسم تفضیل(سودمندترین)**

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَالَةِ:

ترجمه: بهترین کارها کسب حلال است



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

اصل: اسم تفضیل(بهترین)

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِيمُ الْعَبَاراتِ التَّالِيَةَ

۱- سَرِّبَنَا أَمْنًا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

ترجمه: پروردگار ایمان آور دیم بر ما بخشای و به ما رحم کن[که] تو بهترین رحم کنندگانی

خیر: اسم تفضیل(بهترین)

۲- خَيْرُ إِخْوَانَكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ:

ترجمه: بهترین برادران شما کسی است که عیوب ایتان را به شما هدیه کند

۳- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ:

ترجمه: بگو پناه می برم به پروردگار سپیده دم از شر آنچه آفرید.

۴- لَيْلَةُ الْقُدرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ:

ترجمه: شب قدر بهتر از هزار ماه است

۵- مَنْ غَلَبَثْ شَهْوَتَهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ النَّاسِ:

ترجمه: هر کسی که شهوت او بر عقلش غلبه نماید او از حیوانات بدتر است

۶- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ:

ترجمه: بدترین مردم دور ویان هستند

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِيمُ الْأَلْيَةِ وَالْعَبَارَةِ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفَضِيلِ.

۱- وَجَادِلُهُمْ بِالْتِي هِيَ أَحْسَنُ، إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ:

ترجمه: و با آنها به رو شی که نیکوتر است مجادله (ستیز) کن پروردگارت به[حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر است

احسن: اسم تفضیل: نیکوتر، خوبتر

اعلم: اسم تفضیل: داناتر

۲- كَانَتْ مَكْتبَةُ جَنْدِي شَابُورَ فِي خُوزَسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتبَةً فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ:

ترجمه: کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در جهان قدیم بود.

مکتبه: اسم مکان: کتابخانه

اکبر: اسم تفضیل: بزرگترین

در گروه های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

پرسنلی جناب آقای سکاکی  
حواردرس اول (صفحه ۱۷ عربی یازدهم مشترک)

(در بازار مشهد)

لباس فروش	زائر عرب
علیکم السلام (درود بر شما) ، خوش آمدید.	سلام علیکم (درود بر شما)
شصت هزار تومان.	قیمت این پیراهن مردانه چقدر هست؟
قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.	ارزانتر از این میخواهم. این قیمت ها گران (بالا) است.
سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	چه رنگی دارید؟
قیمت ها از هفتادوپنج هزار شروع می شود تا هشتادوپنج هزار تومان.	این پیراهن های زنانه چند تومان هست؟
خانم ، قیمت بر حسب جنس مختلف است.	قیمت ها گران هست (بالاست)!
شلوار مردانه نود هزار تومان ، و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.	این شلوارها چند تومان هست؟
آن مغازه‌ی همکارم هست ، شلوارهای بهتری دارد.	شلوارهایی بهتر از اینها می خواهم.
در مغازه‌ی همکارش	
مبلغ دویست و سی هزار تومان شد.	لطفا ، یک شلوار از این جنس به من بده و ...
بعد از تخفیف به من دویست و بیست هزار بده.	مبلغ چقدر شد؟

## الْتَّمَرِينُ الْأُولُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعجمِ الدِّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيَّاتِ التَّالِيَّةَ؟

۱ جعله حراماً : ..... ◆ آن را حرام گرانید. ▲ (حرّم)

۲ الَّذِي لَيْسَ حَيَاً : ..... ◆ کسی که زنده نیست ▲ (مَيْت)

۳ الْذُنُوبُ الْكَبِيرَةُ : ..... ◆ گناهان بزرگ ▲ (کَبَائِر)

۴ الَّذِي يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ : ..... ◆ کسی که توبه را از بندگانش می پذیرد..  
..... ◆ (تَوَّاب) ▲

۵ تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ : ..... ◆ نامیدن دیگران با اسم های رشت.  
..... ◆ (ثَابِز بِالْأَلْقَابِ). ▲

۶ ذَكْرٌ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْأَخْرَيْنَ فِي غِيَابِهِمْ : .....  
◆ ذکر کرد آنچه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نیستند (نمی باشند) ▲ (إغتاب)

## الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبُوَيَّةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

۱ حسنُ الْخُلُقِ نَصْفُ الدِّينِ .

◆ خوش اخلاقی نصف دین است .

▲ مبتدا : حسن

▲ خبر : نصف

۲ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ

◆ هر کس اخلاقش بد شود ، خودش را عذاب می دهد .

▲ مفعول : نفس

۳ إِنَّمَا بُعْثَثُ لِأَتْمِمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ .

◆ تنها برای این که ارزش‌های اخلاق را کامل کنم ، برانگیخته شدم

▲ فعل ماضی مجهول : بعثت

▲ مفعول : مکارم

۴ أَللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خَلْقِي .

◆ خدایا همانطور که آفرینش را نیکو کردی ، اخلاقم را نیکو گردان ..

▲ فعل ماضی : حسن

▲ فعل امر : حسن

۵ لِيَسْ شَيْءٌ أَنْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ ..

◆ چیزی در ترازوی (اعمال) از اخلاق نیکو ، سنگین تر نیست .

▲ اسم تفضیل : انقل

▲ جار و مجرور : فِي الْمِيزَانِ ، مِنَ الْخُلُقِ



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

## الْتَّمَرِينُ الْثَالِثُ: تَرْجِيمُ الْفَعَالِ وَالْمَصَادِرِ التَّالِيَةَ.

الدرس الثاني				التمرین الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية
إحسان	أحسن	يحسن	قد أحسن		
نيکی کردن	نيکی کن	نيکی می کند	نيکی کرده است		
اقتراب	لا تقتربوا	يقتربون	اقتراب		
نزدیک شدن	نزدیک نشوید	نزدیک می شوند	نزدیک شد		
إنكسار	لا تنكسر	ستيكتڪسز	إنكسار		
شکسته شدن	شکسته نشو	شکسته خواهد شد	شکسته شد		
استغفار	استغفر	ستغفر	استغفر		
آمرزش خواستن	آمرزش بخواه	آمرزش می خواهد	آمرزش خواست		

الدرس الأول				التمرین الثالث	ترجم الأفعال و المصادر التالية .
مسافرة	لا تُسافِرْ	لا يُسافِرْ	مسافرث		
سفر کردن	سفرنکن	سفر نمی کند	سفر نکردم		
تَعْلُم	تَعْلَمْ	يَتَعَلَّمَانِ	تعلّم		
ياد گرفتن	ياد بگیر	ياد می گیرند	ياد گرفت		
تبادل	لا تبادلوا	تَبَادَلُونَ	تبادلتم		
عرض کردن	عرض نکنید	عرض می کنید	عرض کردید		
تَعْلِيم	عَلِمْ	سَوْفَ يُعَلِّمُ	قد علّم		
آموزش دادن	آموزش بده	آموزش خواهد داد	آموزش داده است		

## الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبِ الْعَمَلَيَاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثالِ:

حل تمرین چهارم ( التمرین الرابع )

$$10 + 4 = 14$$

١) عشرة زائدة أربعة يساوى اربعة عشر .

ده به علاوه چهار مساوى چهارده است .

$$100 \div 2 = 50$$

٢) مئة تقسيم على إثنين يساوى خمسين .

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

صد تقسیم بر دو مساوی پنجاه است.

۳) ثمانیه فی ثلاثة مساوی أربعة و عشرين .  $8 \times 3 = 24$

هشت ضرب در سه مساوی بیست و چهار است.

۴) ستة و سبعون ناقص أحد عشر مساوی خمسة و ستين .  $76 - 11 = 65$

هفتاد و شش منهاي بازده مساوی شصت و پنج است.

### التمرين الخامس: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِكُلِّ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱) فَإِنَّ اللَّهُ سَكِينَتُهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ .

ترجمه: پس خداوند آرامش را بر فرستاده اش و بر مومنان نازل کرد.

سکینت: مفعول و منصوب

رسول: مجرور به حرف جر

۲) لَا يَكُلُّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا .

ترجمه: خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.

الله: فاعل و مرفاع / نفساً: مفعول و منصوب .

۳) السَّكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلَامُ فِضَّةٌ .

ترجمه: سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره هست.

الكلام: مبتدأ و مرفاع / فضة: خبر و مرفاع

۴) أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ .

ترجمه: محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

أَحَبُّ: مبتدأ و مرفاع / عباد مضاف إليه و مجرور

الله: مجرور به حرف جر / أَنْفَعُ: خبر و مرفاع

۵) عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِّنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ .

دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان هست.

عداؤ: مبتدأ و مرفاع

خیر: خبر و مرفاع

صداقه: مجرور به حرف جر

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمَ التَّرَاكِيبَ وَ الْجُمُلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ مُبَالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱-پرودگار مشرق(شرق) و مغرب(غرب)

شرق و مغرب: اسم مکان

۲-ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد

المحسنين: اسم فاعل

۳-ای مهربانترین مهربانان

الراحمين: اسم فاعل

۴-ای پوشاننده هر عیوبی

ساتر: اسم فاعل

۵-ای بسیار امرزنده گناهان

غفار: اسم مبالغه

## الدَّرْسُ الثَّانِي

### ترجمه مدل ۱

#### في محضر المعلم در پيشگاه معلم

في الحصة الأولى كان الطالب يسمعون إلى كلام مدرس الكيمياء، و كان بينهم طالب مشاغب قليل الأدب، يضرّ الطلب سلوكه، يلتفّ تارة إلى القراء و يتكلّم مع الذي خلفه و تارة يهمس إلى الذي يجلس جنبه حين يكتب المعلم على السبورة.

در زنگ اول، دانش آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می دادند، درین آنها دانش آموزی آشوبگر و کم ادبی بود، با رفتارش به دانش آموزان ضرر می رساند، کاه به پشت سر خود روی بر می گرداند و با کسی که پشت سرش بود صحبت می کرد و گاه هنگامی که معلم روی تخته سیاه می نوشت، با کسی که در کنارش می نشست آهسته سخن می گفت.

وفي الحصة الثانية كان الطالب يسأل معلم علم الأحياء عنّت أ ; وفي الحصة الثالثة كان يتكلّم مع زميلٍ مثيلٍ و يضحك ؛ فقصّة المعلم و قال : من لا يستمع إلى الدرس جيداً يرسب في الامتحان . ولكن الطالب استمرّ على سلوكه.

و در زنگ دوم، دانش آموز برای مج کیری، از معلم زیست شناسی سوال می کرد؛ و در زنگ سوم با همکلّسی شبیه خود صحبت می کرد و می خنید؛ معلم اورانصیحت کرد و گفت: هر کس خوب به درس گوش ندهد در امتحان مردود می شود. ۱۱. ما دانش آموز به رفتارش ادامه داد.



## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

فکر مهران حول هذه المشكلة، فذهب إلى معلم الأدب الفارسي وشرح له القضية وقال: أحب أن أكتب إنشاء تحت عنوان "في محضر المعلم"; فوافق المعلم على طلبه وقال له:

مهران پیرامون این مشکل اندیشید، پس نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش توضیح داد و گفت: دوست دارم انسانی با عنوان "در پیشگاه معلم" بنویسم؛ پس معلم با درخواستش موافقت کرد و به او گفت:

آن تطالع کتاب "منیة المرید" لزین ال ا دین العامل ۱ ی "الشهید الثاني" یساعدک على کتابة إنشائیك ؛ ثم کتب مهران إنشاءه وأعطاه لمعلمه . فقال المعلم له: إن تقر أ إنشاءك أمام الطلب فسوف يتتبه زميلك المشاغب.

اگر کتاب "منیة المرید" از زین ال ا دین العاملی "شهید ثانی" را مطالعه کنی، تو رادر نوشتن انشایت کمک می کند ، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد . معلم به او گفت: اگر انشایت دربرابر دانش آموزان بخوانی، همکلنسی آشوبگرت متوجه خواهد شد.

و هذا قسم من تصمیم انشایه:

و این بخشی از متن انشاء اوست:

...أَلْفَ عَدْدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبٌ أَفِي مَجَالَاتِ التَّقْرِيبَةِ وَالتَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمَعْلَمِ، وَالْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَلِلْطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ الْمَعْلَمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَرِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُّهَا:

...تعدادی از دانشمندان، کتابهایی در زمینه های آموزش و پرورش تألیف کردند، برخی از آنها به معلم و برخی دیگر به دانش آموز مربوط می شود؛ قطعاً برای دانش آموز در پیشگاه معلم آدابی وجود دارد، که هر کس به آن پایبند باشد؛ موفق می شود؛ مهمترین آنها:

۱- آن لا يعصي أوامر المعلم . از فرمان های معلم سریچی نکند.

۲. الاجتناب عن كلم فيه إساءة للنَّدب . دوری کردن از سخنی که در آن بی ادب باشد.

۳ . آن لا يهرب من أداء الواجبات المدرسية . از انجام تکاليف مدرسه فرار نکند.

۴. عدم النوم في الصّفّ، عندما يدرِّسُ المَعْلَمُ . هنگام درس دادن معلم، در کلس نخوابد.

۵ . آن لا يتكلّم مع غيره من الطّلبِ عندما يدرِّسُ المَعْلَمُ . هنگامی که معلم می دهد با دیگر دانش آموزان صحبت نکند.

۶. آن لا يقطع كلامه، ولا يسبقه بالكلم، ويصبر حتى يفرغ من الكلم.

سخن را قطع نکند، و در سخن از او پیشی نگیرد، و صبر کند تا از سخن گفتن فارغ شود.

۷. الجلوس أمامه بآدبٍ، والاستماع إليه بدقّةٍ و عدم الالتفات إلى الوراء لا لضرورة.

با ادب در برابر او نشستن، وبا دقت به سخنانش گوش دادن، وروی بر نگرداندن به پشت سر مگر هنگام ناچاری.

لاما سمع الطالب المشاغب إنشاء مهران، ندم و خجل على سلوكه في الصف.

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

وقتی دانش آموز آشوبگر، انشای مهران را شنید، پشمیمان شد و از رفتارش در کلس خجالت کشید.

قال ال اشاعر المصري، أحمد شوقي عن المعلم : احمد شوقي، شاعر مصرى درباره معلم گفت:

قُمْ لِمَعْلِمٍ وَفِي التَّبَجِيلِ بِرَايِ مَعْلِمٍ بِرِخِيزٍ وَاحْتِرَامَشُ رَاكَامِلَ بِجَاهِ آُورِ

كَادَ الْمَعْلِمَ أَنْ يَكُونَ رَسُولاً نَزِدِيْكَ بُودَ مَعْلِمٌ (چون) پیامبر باشد

أَعْلَمْتُ أَشَرَّفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي آتَيَ فَهْمِيَّدِي (که او) بِزَرْگُوارَتِر وَكَرَانَقَدَرَتِر از کسی است که

بَيْتِنِي وَيَتَشَيَّنِي أَنْفُسَ أَوْ عُقُولَامِي سَازِد وَجَانَهَا وَخَرَدَهَا رَاپَرُورَش مِنْ دَادِ

اُكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصِ الدَّرِسِ.

۱) إلى من ذهب مهران؟

◆ ترجمه: مهران نزد چه کسی رفت؟

▲ ذهب مهران إلى معلم الأدب الفارسي

▲ مهران نزد معلم ادبیات فارسی رفت.

۲) كيف يجب الجلوس أمام المعلم

◆ نشستن جلوی معلم چگونه باید باشد؟

▲ على التلميذ أن يجلس أمام المعلم بآدب

▲ دانش آموز باید در مقابل معلم با ادب بنشیند.

۳) كيف أخلاق الطالب الذي كان يلتفت إلى الوراء؟

◆ اخلاق (رفتار) دانش آموزی که به عقب رو برミ گرداند چگونه بود؟

▲ كان طالباً مشاغلاً و قليلاً الأدب

▲ دانش آموز شلوغ و بی ادبی بود.

۴) ما اسم الكتاب الذي قرأه مهران في مجال التربية والتعليم

◆ نام کتابی که مهران آن را در زمینه پرورش و آموزش خواند چیست؟

▲ كتاب "منية المرید لزید الدين عاملی" الشهيد الثاني

▲ كتاب منية المرید زین الدين عاملی شهید دوم

۵) في أيِّ حصَّةٍ كان الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الكِيمِيَاءِ؟

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

◆ در کدام زنگ دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند؟

▲ في الْجِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ لَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ

▲ در زنگ اول دانش آموزان به سخن استاد شیمی گوش فرا می دادند.

اِخْبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمَ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيْنَ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَ فَعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوابَهُ..

الدرس الثاني  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
#اخبرنفسك

ارسالی خانم رسولی

◆ ترجم الآيات تم عینش أداء الشرط و فعل الشرط و جوابه :

1 وَمَا تَقَدَّمُوا لَا تُنْفَسُكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ

ترجمه : و هرچه از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خدا می یابید

ما : أداء الشرط

تقديموا : فعل الشرط

تجدوا : جواب الشرط

2 إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهُ يَنْصُرُكُمْ وَ يُعَيِّثُ أَقْدَامَكُمْ :

ترجمه : اگر خدا را یاري کنید (خدا) شما را یاري می کند و قدمهايتان را استوار می سازد.

إن : أداء الشرط

تنصروا: فعل الشرط

ينصركم : جواب الشرط

3 وَإِذَا خَاطَبُوكُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا :

ترجمه : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کنند سخن آرام می گویند.

ترجمه لفظی : و اگر افراد نادان آنها را خطاب کردن سخن آرام گفتند

إذا : أداء الشرط

خاطب : فعل الشرط

قالوا : جواب الشرط

#درس\_۲\_اخبرنفسك

⌚ 21:24



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

التمرين الأول: عَيْنُ الْجُملَةِ الصَّحِيَّةِ وَغَيْرِ الصَّحِيَّةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ ✓

#الدرس الثاني

#عربی-مشترک-یازدهم

#التمرين الأول

ارسالی خانم صادقیان

أكتب جواباً حسب التصنيف الدراسي

التعريف طرخ شوال ضغب بهدف ایجاد مشقة للمتسول 1

ترجمه:

مج گیری طرح سؤال سخت به هدف ایجاد مشقت برای سؤال شونده است.

درست

علم الأخیاء علم مطالعه خواض العناصر 2

ترجمه:

زیست شناسی دانش مطالعه ویژگیهای مواد است.

غلط

الإلتفات هو كلام خفي بين شخصين . 3

ترجمه:

التفات همان سخن پنهانی بین دو نفر است.

غلط

السبورة لوح أمام الطلاب يكتب عليه 4

ترجمه:

تخته سیاه تابلوی در مقابل دانش آموزان است که بر آن نوشته می شود.

درست

21:38 ✓

التمرين الثاني: ترجم الآية. و الأحاديث و عَيْنِ فِعْلِ الشَّرْطِ وَ جوابه، ثُمَّ عَيْنِ الْمُطلوبِ مِنَكَ.

وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ .

◆ ترجمه: و هر آنچه از خیر و نیکی انفاق کنید مسلماً خداوند به آن آگاه است.

ما: اداة شرط ▲

تنفیقوا: فعل شرط ▲

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

﴿فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ : جواب شرط ▲

﴿خَيْرٌ﴾ : مجرور به حرف جر ▲

﴿مَنْ خَيْرٌ﴾ : جار و مجرور ▲

﴿مَنْ عَلِمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْفَصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ﴾ . □

◆ هر کس دانشی را یاد دهد پس او پاداش کسی را دارد که به آن عمل می کند و از پاداش عمل کننده کم نمی شود .

﴿مَنْ﴾ : اداة شرط ▲

﴿عِلْمٌ﴾ : فعل شرط ▲

﴿فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ﴾ : جواب شرط ▲

﴿الْعَامِلِ﴾ : اسم فاعل ▲

﴿النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهَلُوا﴾ . □

◆ مردم دشمن چیزی هستند که ندانستند (نمی دانند) .

﴿أَعْدَاءُ﴾ : جمع مكسر ▲

﴿مُفْرَدٌ آن﴾ : عَدُوّ ▲

﴿إِذَا تَمَّ الْعُقْلُ نَفَصَ الْكَلَامُ﴾ . □

◆ هر گاه عقل کامل شود سخن کم می شود .

﴿إِذَا﴾ : اداة شرط ▲

﴿تَمَّ﴾ : فعل شرط ▲

﴿نَفَصَ﴾ : جواب شرط ▲ **الْعُقْلُ** : فاعل

﴿الْكَلَامُ﴾ : فاعل ▲

﴿الْعَالَمُ حَىٰ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتًا﴾ . □

◆ دانشمند زنده است و اگر چه مرده باشد .

﴿الْعَالَمُ﴾ : مبتدأ و مرفوع ▲



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

▲ حی: خبر و مرفوع

﴿قَمْ عَنْ مَجِلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا﴾

از جایت به خاطر پدرت و معلمت برخیز اگر چه فرمانده باشی . ▲ مجلس: اسم

مکان

▲ معلم: اسم فاعل

## التمرين الثالث: ترجم الأفعال والمصادر التالية.

به ارسالی آقای سکانی

تمرین سوم درس دوم (صفحه ۲۲ عربی بازدهم عصوی)

المصدر	الأمرُ وَ النَّهْيُ	المضارع	الماضِ
الإنفاذ: نجات دادن	أنفَذْ: نجات بده	ينتفذ: نجات من دهد	قد انفذ: نجات داده است
الابتعاد: دور شدن	لاتبتعد: دور مشو	لا يتبعد: دور نمی شود	ابتعد: دور شد
الانسحاب: عقب نشیونی کردن	ستقىحب: عقب نشیونی خواهد کرد	لا تستحب: عقب نشیونی نکن	انسحب: عقب نشیونی کرد
الاستخدام: به کار گرفتن	يستخدِم: به کار بگیر	يستخدم: به کار من کرد	استخدم: به کار گرفت
المجالسة: همنشینی کردن	جالِس: همنشین کن	يجالِس: همنشینی من کند	جالس: همنشینی کرد
التَّغَافُر: به یاد آوردن	لا تَتَغَافَرْ: به یاد میاور	يتَغَافَرْ: به یاد من آورد	تَغَافَرْ: به یاد آورد
التعابش: همزیستی کردن	تعابِش: همزیستی کن	يتعابِش: همزیستی من کند	تعابش: همزیستی کرد
التحريم: حرام کردن	لا تَحْرِمْ: حرام نکن	يُحرِمْ: حرام من کند	قد حرَمْ: حرام کرده است

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

التمرين الرابع: ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب.

#الدرس\_الثاني

#التمرين\_الرابع

#عرب\_مشترك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزاوی

ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب .

هولاء ناجحات / هذان الفکیفان / تلک الحِصَّة /  
أولئک مُستَمْعُون / هؤلاء جنود / هاتان الْبِطَاقَتَان /

مفرد مؤنث : تلک الحِصَّة  
آن ذنگ

مثنى مذكر : هذان الفکیفان  
این ، دو کولر (این کولر ها)

مثنى مؤنث : هاتان الْبِطَاقَتَان  
این دو کارت (این کارت ها )

جمع مذكر سالم : أولئک مُسْتَمْعُون  
آنها شنووندہ اند

جمع مؤنث سالم : هؤلاء ناجحات  
این ها موقق هستند

جمع مکسر : هؤلاء جنود  
این ها سربازند

الویرایش شده 23:07

التمرين الخامس: ضع المتآلفات و المتضادات في مكانها المناسب (= )

@Gamb

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

#الدرس\_الثانى  
#التمرين\_الخامس  
#عربى\_مشترك\_يازدهم

ارسالی خانم میرزاوی

ضع المترادفات و المتضادات في مکانها المناسب .

وَدٌ / بَعْدًا / تَكَلُّم / اجْلِس / نِهايَةً / عَدَاوَةً /  
احْتِرَام / أَحْيَاءً / مَرَّةً / نَفْعً / ذَنْبً / هَرَبً /

إِثْمٌ = ذَنْبٌ : گناه  
تَبَجيْلٌ = احْتِرَام ، بزرگداشت  
تَارَةً = مَرَّةً : یکبار (گاهی)  
خُبُّ = وَدٌ : عشق  
فَرَّ = هَرَبٌ : فرار کرد (گریخت)



أَفْوَاتٌ ≠ أَحْيَاءٌ (مردگان ≠ زندگان)

ذَنَا ≠ بَعْدًا (نزديک شد ≠ دور شد)

قُمٌ ≠ اجْلِس (برخیز ≠ بشین)

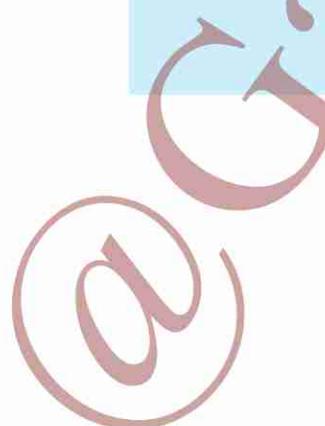
ضَرًّ ≠ نَفْعً (ضررکرد ≠ منفعت کرد)

بِدايَةً ≠ نِهايَةً (ابتداء ≠ پایان)

سَكَثٌ ≠ تَكَلُّم (سکوت کرد ≠ صحبت کرد)

صَدَاقَةً ≠ عَدَاوَةً (دوستی ≠ دشمنی )

23:27 ✓



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

التمرين السادس: أكمل ترجمة الآيات والحاديَّت، ثم عِين أداة الشرط و فعل الشرط، و جوابه.

#الدرس\_الثانى  
#عربى\_مشترك\_يازدهم  
#التمرين\_السادس

أكمل ترجمة الآيات والحاديَّت، ثم عِين أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه.

١ و ما ثفَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ .

ترجمه: و آنچه از کار خیر ... (انجام دهید)، خدا آن را می داند.

ما: اداة شرط

ثفَلُوا: فعل شرط

يَعْلَمُ: جواب شرط

٢ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا تَفْسِكُمْ .

ترجمه: اگر نیکی کنید، به خودتان ... (نیکی کردید)

من: اداة شرط

أَحْسَنْتُمْ: فعل شرط

أَحْسَنْتُمْ: جواب شرط

٣ إِنْ تَشْقُوا اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فَرَقَانًا .

ترجمه: اگر از خدا یروآ کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل ...

(قدار می دهد)

إن: اداة شرط

تَشْقُوا: فعل شرط

يَجْعَلُ: جواب شرط

٤ مَنْ سَأَلَ فِي صَغْرِهِ ، أَجَابَ فِي كَبِيرِهِ .

ترجمه: هر کس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش ...

(جواب دهد)

من: اداة شرط

سَأَلَ: فعل شرط

أَجَابَ: جواب شرط

## الدَّرْسُ الْثَالِثُ

### شگفتیهای درختان

پدیده های طبیعت یک حقیقت را اثبات می کنند و آن قدرت خداست. و اکنون بعضی از این پدیده ها را توصیف می کنیم:

انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان تفاوت دارد، در برزیل می روید، و میوه های آن روی تنه اش رشد می کند و از مهم ترین ویژگی های این درخت اینست که در طول میل میوه می دهد.

درخت سکویا درختی از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا است، گاهی بلندی بعضی از آنها به بیش از ۱۰۰۰ متر می رسد و گاهی قطر آن بالغ بر ۹ متر می شود، و عمرش تقریباً افزون بر ۳۵۰۰ سال می شود.

درخت خفه کننده درختی است که در بعضی از جنگلهای استوایی رشد می کند، زندگیش را با پیچیدن دور تنه و شاخه ای درختی آغاز می کند، سپس به تدریج آن را خفه می کند. نوعی از آن در جزیره قشم وجود دارد که در استان هرمزگان واقع است.

## تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

درخت نان درختی استوایی است که در جزایر اقیانوس آرام رشد می کند، و در انتهای شاخه هایش میوه هایی مثل نان دارد. مردم مغز این میوه ها را می خورند.

درخت نفت درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور مزرعه ها برای حفاظت محصولاتشان از حیوانات به کار می گیرند. زیرا بودی این درخت بد و ناخوشایند است که حیوانات از آن فرار می کنند، و دانه هایش مقداری روغن دربردارد که سوختن آن ها باعث خارج شدن هیچ نوع از گازهای آلوده کننده نمی شود و تولید نفت از آن امکان دارد (ممکن است). و یک نوع از آن به اسم درخت مداد در شهر نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد.

درخت بلوط از درختان کهن‌سال است و گاهی ۲۰۰۰ سال عمر می کند. جنگل های زیبایی از آن در استان ایلام و استان لرستان وجود دارد. سنجد بعضی از دانه های سالم بلوط را زیر خاک پنهان می کند، و گاهی جایش را فراموش می کند. و در سال آینده آن دانه بلوط رشد می کند و درختی می شود. کشاورزی کنید و نهال بکاری ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

1- تَبَدَّلَ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاَتَهَا بِالْاِلْتِفَافِ ..... حَوْلَ جَذْعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.  
درخت خنه کننده زندگیش را با پیچینی به دور تهیه کرده و شاخه هایش شروع می کند.

2- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالُ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُروجَ أَيِّ ..... غَازِ ..... مُلَوِّثَةٍ.  
آتش گرفتن روغن های درخت نفت موجب خروج هیچ نوع کاز آلوده کننده ای نیست شود.

3- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَهُ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلْوَطِ فِي ..... مُحَافَظَةِ ..... إِيَلامَ وَ لِرِسْتَانَ.  
جنگل های زیبایی ز درختان بلوط در استان ایلام و لرستان اافت می شود.

4- قَدْ يَنْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوِيَا أَكْثَرَ مِنْ ..... مِئَةِ ..... مِتْرٍ.  
کاهی ارتفاع برخی از درختان سکوا به بیش از 100 متر می رسد.

5- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهايَهِ ..... أَغْصَانِها ..... كَالْخُبْزِ.  
درخت نان در انتهای شاخه هایش میوه های مانند نان در بر دارد

6- تَنْمو أَثْمَارُ الْعِنْبِ الْبَرازِيلِيِّ عَلَى ..... جَذْعِ ..... شَجَرَتِهِ.  
میوه های انگور بزرگی بر تهیه کی درختش رشد می کنند

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

# اختبر نفسک  
# عربی مشترک یازدهم

ارسالی خانم میرزاوی ص (۳۰)

اختبر نفسک: ترجم حسب قواعد المعرفة و التکرہ .

۱- اللہ نور السقاوات والارض هنل کوره گمشکاۃ فیها مضباج  
المضباج فی زجاجۃ الزجاجۃ کائنا کوکب ذری:

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی  
است که در آن چراغی است، چراغ در میان قنديل بلورین(شیشه ای)  
است، که آن قنديل بلورین(شیشه ای) گویی ستاره تابانی است.

۲- أَرْسَلْنَا إِلَيْ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ .  
المزمول (١٥ و ١٦)

نzd فرعون ، رسولی فرستادیم یس فرعون اذ (آن) رسول نافرمانی  
کرد .

۳- عَالَمَ يَنْتَقِعُ بِعِلْمِهِ ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ . (رسول الله "ص")  
دانشمندی که از علم آن بهر برده می شود از هزار عابد بهتر است .

@GambGamed

# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

ارسالی آفای سکاکنی

حواله‌زدن سوم (صفحه‌ی 38 عربی بازدهم سوم)

( درورزشگاه )

ابراهیم	اسماعیل
برای دیدن چه مسابقه‌ای؟	بیا به ورزشگاه برویم.
این مسابقه بین که؟	برای دیدن مسابقه‌ی فوتبال.
دو نیم دو هفته قبل مساوی نشند. اکام نیم فویتر هست؟ (کام پک از دو نیم)	بین نیم صداقت و سعادت. آن را به پاد می‌آورم.
به چشم، بیا برویم.	هردو قوی هستند. باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه از تمثیلی هایر شود.
در ورزشگاه	
او به سمت دروازه بان سعادت حمله کرد. گل، گل!	نگاه کن؛ یکی از مهاجمین نیم صداقت امد. گلی ثبت خواهد کرد. (یک گل خواهد زد)
شاید به مخاطر افسوس نمی‌دانم، اه، خطأ	اما داور گل را نپیرفت؛ چرا؟!
افزین، دروازه بان نیم معادلت مرا احتیل شکفت زده می‌کند.	نگاه کن، حمله‌ای قدرتمند از جانب بازیکن صداقت.
دو دقیقه به بنج	ساعت چند است؟
بار دوم بدون گل مساوی نشند.	داور سوت می‌زند.



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الدرس\_الثالث  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
# التمرین - الأول

ارسالی خانم رحیمی

أی کلیفه من کلمات مفجع الدّرس ثنایت التّوضیحات التّالیة

1 بحرٌ يعادل ثلث الأرض تقريباً.

ترجمه: دریایی که تقریباً معادل یک سوم زمین است.

▲ المحيط الهدائی: اقیانوس آرام

2

الْتَّجْمُعُ وَ الدُّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

جمع شدن و چرخیدن اطراف چیزی.

▲ التفات: در هم پیچیدن

3

الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ غَمْرَاً طَوِيلًاً.

کسی که خدا به او عمری طولانی می بخشد (می دهد).

▲ مُعَمَّر: کهن سال

4

الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْفَرَزَعَةِ.

کسی که در مزرعه کار می کند.

▲ مزارع، فلاح، زارع: کشاورز

5

صَفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.

صفات کسی یا چیزی.

▲ مواصفات: ویژگی ها



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

الدرس\_الثالث  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
#التمرين\_الثانی

ارسالی خانم صادقیان

ترجم الاحادیث النبویة ثم عین المطلوب مثک

1 ما من مُسلِّمٍ يَرْزَعُ رَزْعًا أو يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَاكُلُ مِنْهُ طَيْرًا أو إِنْسَانٌ أو بَهِيمَةٌ  
إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ

ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که زراعتی کشت کند یا نهالی بکارد پس  
پرنده یا انسان یا چارپایی از آن بخورد جز اینکه برای او صدقه باشد.

جارو مجرور: من مُسلِّمٍ  
اسم فاعل: مُسلِّمٍ

2 ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرًا مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٍ  
ذلک الغرس

هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند به اندازه آنچه از میوه  
آن درخت خارج می شود، برای او از پاداش نویسد (نوشت)

فعل ماضی: كتب  
مفعول: غرساً، قدر

3 شیل الثیئ(ص): أئِ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: رَزْغٌ رَزْغُهُ صَاحِبُهُ

از پیامبر(ص) سوال شد: کدام مال بهتر است؟  
گفت (فرمود): زراعتی که صاحبش آن را بکارد.

فعل مجهول: شیل  
فاعل: صاحب

ویرایش شده 20:35



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

# الدرس\_الثالث  
#عربی\_مشترک\_یازدهم  
#التمرین\_الرابع (الف)

ارسالی خانم صادقیان

♦ الف: عَيْنُ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسْبَ قَواعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكَرَةِ

1 سِمِعْتُ صَوْتاً عَجِيباً  
♦ ترجمه: صدای عجیبی را شنیدم

2 وَصَلَّتُ إِلَى الْقُرْبَةِ  
♦ ترجمه: به روستار رسیدم.

3 نَظَرَةً إِلَى الْمَاضِي  
♦ ترجمه: نگاهی به گذشته

4 الْعِبَادُ الصَّالِحُون  
♦ بندگان درستکار

5 الشَّوَّارُ الْعَتِيقُ  
♦ ترجمه: دستبند کهنه

6 التَّارِيخُ الْذَّهَبِيُّ  
♦ ترجمه: تاریخ زرین



# تهیه و تنظیم: محمد یولچی خانی

پرسالی آقای سکاکی

تمرین پنجم درس سوم (صفحه ۳۵ عربی یازدهم عمومی)

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
المُوافق	الْتَّوْفِيق	وافق	يُوافق	
المُوْفِق	الْمُوافِقة	وْفِقٌ	يُوْفِقٌ	وَفِقٌ
المُقَرَّب	الْتَّقْرَب	قَرَبٌ	يُقَرَّبٌ	
الْمُنْقَرِب	الْتَّقْرِيب	تَقْرَبٌ	يُتَقْرِبٌ	تَقْرَبٌ
المُتَعَارِف	الْمُعَاوِفَة	تَعْرَفٌ	يَتَعَرَّفُ	
المُعْرَف	الْتَّعْرِف	إِعْرَفٌ	يَتَعْرِفُ	تَعْرِفٌ
المُشَتَّغِل	الْإِشْغَال	اشْتَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	
الْمُنْشَغِل	الْإِشْتَغَال	إِشْتَغَلٌ	يَشْتَغِلُ	إِشْتَغَلٌ

اسم الفاعل	المصدر	فعل الأمر	الفعل المضارع	الفعل الماضي
المُنْفَتَح	الْإِسْفَاتَاح	انفتح	يَنْفَتَحُ	
الْمُنْفَتَح	الْإِسْفَاتَاح	تفتح	يَنْفَتَحُ	انفتح
الْمُسْتَرْجَع	الْإِرْجَاع	استرجع	يَسْتَرْجَعُ	
الْمُرْجَع	الْإِسْتَرْجَاع	راجع	يَرْجَعُ	استرجع
الْمُنْزَل	الْأَنْزُول	إنزل	يَنْزَلُ	
الْتَّازِل	الْأَنْتَزِيل	نزَلٌ	يَنْزَلُ	إنزل
الْأَكْرَم	الْإِحْرَام	أكرم	يَحْرَمُ	
الْفَكِيرِم	الْتَّحْرِيم	فَكِيرٌ	يَحْرَمُ	أكرم

